

## سناریوهای الگوی عمومی فراغت جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶ شناسایی شده است. امروزه اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی از آن به مثابه آیین فرهنگی جامعه یاد می‌کنند به این معنی که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف ویژگی‌های فرهنگ آن جامعه است. در این پژوهش الگوهای فراغتی کنونی جوانان انقلاب اسلامی تحلیل شده و روندهای اصلی بیان می‌شوند، سپس مهم‌ترین سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی ارائه می‌گردد. رویکرد کلان پژوهش تفسیری و کیفی و روش به کار رفته در آن، سناریونویسی بر مبنای آنالیز شاخه‌ای می‌باشد که بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و آمارهای ناشی از مجموعه پژوهش‌های صورت گرفته به صورت کمی و کیفی در سالیان اخیر صورت پذیرفته است. با توجه به یافته‌های پژوهش سه عدم قطعیت بحرانی میزان تقید به خانواده و گروه دوستان، اعتقادات دینی غیر سکولار و درآمد به هزینه شناسایی و با استفاده از آن‌ها هشت سناریو نگاشته شد که دو سناریو به عنوان محتمل‌ترین سناریوها، دو سناریو به عنوان مطلوب‌ترین سناریوها و یک سناریو به عنوان بدترین سناریو معرفی شده و در نهایت راهبردهایی به منظور حرکت در جهت سناریوی مطلوب بیان شده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که با توجه به روندهای موجود وقوع بدترین سناریو یکی از دو سناریو محتمل است که این امر اهمیت توجه ویژه و برنامه‌ریزی و اقدام سریع در خصوص موضوع پژوهش از طرف مسئولین امر را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، فراغت، سناریو، جوانان شهری ایران، آینده‌پژوهی

## Scenarios of the general pattern of urban youth leisure in Iran in the horizon of ۱۴۰۶

### Abstract

The current research aims to identify the upcoming scenarios of the leisure patterns of urban youth in Iran in the horizon of ۱۴۰۶. Today, free time is so important that it is even referred to as a mirror of the society's culture, which means that how people spend their free time in a society largely reflects the characteristics of that society's culture. In this research, the current leisure patterns of the youth of the Islamic Revolution are analyzed and the main trends are expressed, then the most important scenarios for the leisure patterns are presented. The macro approach of the research is interpretative and qualitative, and the method used in it is scenario planning based on branch analysis, which is based on library studies and statistics from the set of quantitative and qualitative research conducted in recent years. According to the findings of the research, three critical uncertainties of adherence to family and friends group, non-secular religious beliefs and income to cost were identified and using them, eight scenarios were written, two scenarios as probable scenarios, two scenarios as desirable scenarios and A scenario is introduced as the worst scenario and finally strategies are stated to move towards the desirable scenario. The results of the research show that according to the existing trends, one of the two probable scenarios is the worst scenario, which shows the importance of special attention and planning and quick action regarding the subject of the research on the part of the authorities.

**Keywords:** Lifestyle, Leisure, Scenario, Urban youth of Iran, Futures studies

در این بخش به طرح مسئله، مبانی نظری پژوهش و پیشینه پژوهش پرداخته خواهد شد.

### ۱-۱- طرح مسئله

هویت و سبک زندگی دو مولفه کاملاً مرتبط با یکدیگر هستند و در جامعه‌شناسی و ادبیات انسان‌شناسی سبک زندگی را سازنده هویت و بالعکس هویت را سازنده سبک زندگی می‌دانند (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). از سوی دیگر هویت ریشه تمامی فعل و انفعالات فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌باشد و ایشان بسته به نوع ارتباط هویتی که با خویشان برقرار می‌نمایند به رفتارهای اجتماعی می‌پردازند. در اینجا است که مسئله هویت و اهمیت آن هویدا خواهد شد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲۷).

علی‌رغم اینکه سبک زندگی<sup>۱</sup> مفهومی غربی و برآمده از نوع نگاه مدرن به جامعه و انسان می‌باشد، با این حال مفهوم عام‌تر سلوک زندگی از دوران کهن از جمله مباحث مهم در حوزه ادبیات دینی اسلامی بوده است و بحث‌های بسیاری روی آن صورت گرفته است (ایمانی، ۱۳۹۰: ۳۹).

هنگامی که از سبک زندگی در عصر جدید (و بالاخص در شهرهایی که ارتباطات شکلی با مدرنیته برقرار کرده‌اند) صحبت می‌شود، مفهوم بسیار مهم فراغت معنا می‌یابد. فراغت از دو وجه حائز اهمیت می‌باشد:

- یکی آنکه فراغت بخشی از زمان و زندگی افراد در دنیای مدرن است که وقت ایشان مختص به خودشان بوده و هیچ‌گونه انتظارات اجتماعی و سازمانی از ایشان وجود ندارد. ایشان در این زمان مختار هستند بدون توجه به محدودیت‌های روزمره کاری و... به انتخاب بپردازند. در این حوزه نظریات بسیاری مطرح شده است که محور عمده آن‌ها بحث از نحوه انتخاب فعالیت‌های فراغتی توسط افراد و ارتباط آن با هویت ایشان دارد. هرچند این نکته حائز اهمیت است که در ادبیات دینی، مفهومی به نام فراغت (با معنای غربی آن) که در آن فرد با آزادی به انتخاب فعالیت زندگی خویش پرداخته و مسئولیت‌های خود در قبال جامعه، اطرافیان، خدا و... را در نظر نمی‌گیرد، معنایی ندارد (ایمان، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

- دوم آنکه فراغت در سالیان اخیر (و بالاخص پس از آنکه مفهوم طبقه اجتماعی کارکرد خود را در جوامع پیچیده کنونی از دست داده و یا کمرنگ شده است) کارکردهای بسیاری یافته است که عمده این کارکردها حول موضوع نشان دادن طبقه اجتماعی در اوقات فراغت توسط فرد جریان دارند. به این معنا که امروزه افراد برای انتخاب اوقات فراغت خود به این مسئله توجه دارند که این فراغت می‌تواند نشان‌دهنده طبقه اجتماعی ایشان باشد در حالی که در سالیان قبل این کارکرد در حوزه‌های دیگری مانند اشتغال و... خلاصه می‌شد. امروزه ممکن است فرد حتی اشتغال مناسبی نداشته ولی سعی می‌کند با انتخاب الگوهای فراغتی خاصی، جایگاه خود را در سطح مطلوب خویش تعریف

<sup>۱</sup> life style

نماید. حال آنکه ممکن است حقیقتاً جایگاه اقتصادی فرد در این حد نباشد و وی صرفاً به دنبال تعریف هویت و جایگاهی کاذب برای خویش است (زالی، ۱۳۹۰: ۳۷).

با توجه به مطالب عنوان شده و اهمیت بالای اوقات فراغت متاسفانه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح و کاربردی‌ای در این زمینه صورت نگرفته و روندهای موجود و مسیر پیش‌روی آن‌ها به سمت آینده‌های نامطلوب که در مسیر این پژوهش به تفصیل به آن‌ها اشاره خواهد شد، گواه این امر است.

در این پژوهش تلاش می‌شود الگوهای فراغتی کنونی جوانان تحلیل شده و روندهای اصلی بیان شوند، سپس مهم‌ترین سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی احصاء و ارائه گردد. شناخت مسیر آتی روندهای الگوهای فراغتی خواهد توانست زمینه را برای تصمیم‌گیری دقیق‌تر سیاست‌گذاران برای مقابله با روندهای نامطلوب و پررنگ نمودن روندهای مطلوب هموار نماید. بنابراین شناسایی الگوی عمومی فراغت جوانان شهری ایرانی در آینده میان‌مدت و زمینه‌سازی برای سیاست‌گذاری بهتر و دقیق‌تر تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران امر به منظور مقابله با روندهای نامطلوب و نیل به نتیجه مطلوب هدف اصلی این پژوهش است. شکی نیست در صورت انجام پژوهش‌های عمیق‌تر تا حد زیادی زمینه برای پیشگیری از آسیب‌های محتمل فراغتی در سال‌های آتی فراهم خواهد شد.

لذا قبل از هر چیز پیشنهاد این پژوهش، اهتمام مسئولین و متخصصان حوزه هویت، سبک زندگی و فراغت بر آسیب‌شناسی الگوهای فراغتی کنونی جوانان در شهرها و نیز اهتمام برای شناخت روندهای مثبت و منفی پیش‌رو و برنامه‌ریزی برای پژوهش و عکس‌العمل مناسب در این خصوص می‌باشد.

در این پژوهش به این سوال اصلی پاسخ داده می‌شود که سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶ چیستند؟

برای پاسخ به این پرسش اصلی به سوالات ذیل پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- فراغت چیست؟ چه کارکردهایی دارد؟ الگوهای فراغتی چیستند؟
- ۲- الگوهای فراغتی در چه دسته‌های کلی طبقه‌بندی می‌شوند؟
- ۳- مهم‌ترین روندهای الگوهای فراغتی در جوانان شهری، در سال‌های اخیر کدام است؟
- ۴- مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر انتخاب الگوهای فراغتی کدام است؟
- ۵- عدم قطعیت‌های بحرانی در خصوص آینده الگوهای فراغتی چیست؟
- ۶- مهم‌ترین سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی جوانان شهری در افق مشخص شده چیستند؟

## ۱-۲- مبانی نظری

در این بخش در ارتباط با تعریف فراغت، زمان‌های فراغت و نوع فعالیت فراغتی جوانان و عوامل موثر بر فراغت مطالبی ارائه خواهد شد.

تعریف فراغت: لغت loisir در فرانسه و لغت leisure در انگلیسی را به فراغت یا فراغ ترجمه کرده‌اند. واژه پایه‌گذار فرهنگ لاروس، فراغت را «سرگرمی، تفریحات و فعالیت‌های می‌داند که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به سوی آن‌ها روی می‌آورند.» (Furlong, ۱۹۹۷) در لغت‌نامه لیتره زبان‌شناس معروف فرانسه آمده است: «فراغت عبارت است از فرصت و زمانی که پس از به انجام رساندن کار و شغل روزانه باقی می‌ماند» (Furlong, ۱۹۹۷: ۵۲).

اوقات فراغت به موجب تعریفی که توسط گروه بین‌المللی «جامعه‌شناس فراغت شده» ارائه شده چنین است: «فراغت عبارت از مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد کاملاً به رضایت خاطر خود یا برای استراحت یا برای تفریح، یا به منظور توسعه آگاهی‌ها و یا فراگیری غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد.» (شاکسیمنت، ۱۳۸۳: ۷۵) اوقات فراغت را نباید تنها زمانی برای تفریح و شادی و شادمانی دانست زیرا علاوه بر تفریح، صرف فعالیت‌ها و سرگرمی‌هایی می‌شود که مقداری از آن صرف تجدید قوا و قسمتی از آن به گسترش مشارکت آزادانه در اجتماع و بقیه به امور فرهنگی و ذوقی و هنری اختصاص دارد که این قسمت از فعالیت‌های اوقات فراغت موجب رشد و شکفتگی و به کمال رساندن آن و به ظهور و شکوفایی پرورش استعدادهای خلاقانه و توسعه و افزایش دانش و معلومات انسان می‌شود (تورکلیدسن، ۱۳۸۲: ۴۹).

فراغت در لغت معمولاً به آسایش، آسودگی، استراحت، بی‌اعتنایی و وارستگی از کار و وقت آزاد که به کارهای غیراجباری و مبنی بر انتخاب شخص پرداخته می‌شود معنی شده است و در تعریف کارسون (۱۹۷۹) در کتاب "تفریح و فراغت" پس از تعریف گوناگون آن را به چهار طبقه فرهنگی، دینی، فعالیتی و وقت آزاد اقدام نموده است (فیلیک، ۱۳۸۸: ۳۱). در مطالعات بسیاری تیپ‌گذران این اوقات را با فرهنگ و جامعه شخصی و بالعکس فرهنگ انسان‌ها را از روی نوع گذراندن اوقات فراغت می‌سنجند (وبلن، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

به طور کلی می‌توان به نکات مشترک در تعاریف مختلف اشاره کرد:

- ۱- اوقات فراغت مخصوص قسمتی از اوقات آزاد فرد است نه زمان کار؛
  - ۲- نحوه گذران اوقات فراغت انتخابی است؛
  - ۳- اوقات فراغت با نوعی رضایت‌خاطر، آرامش و رفع خستگی همراه است؛
  - ۴- این اوقات جدا از کار و اشتغال به زمان خاصی از زندگی انسان اطلاق می‌شود؛
  - ۵- در این اوقات باید افراد را به دور از هر گونه تعهد شخصی، اجتماعی، خانوادگی و مذهبی دانست.
- زمان‌های فراغت و نوع فعالیت فراغتی جوانان: اکثر تحقیقات این دوره نشان‌دهنده استفاده گسترده از برنامه‌های رسانه‌های جمعی در زمان فراغت است (محمودی اشکور، ۱۳۶۹: ۱۱۲). نتایج تحقیق بهرام (۱۳۶۷: ۹۹) نشان می‌دهد که میزان اوقات فراغت دانش‌آموزان به طور متوسط ۴ ساعت در روز است و

تحقیق مهدی پور (۱۳۷۱: ۱۲۳) زمان فراغت دانشجویان را بین ۳ تا ۵ ساعت در روز بیان می نماید. در مورد گزینه های مورد نظر افراد در زمان فراغت، یافته های پژوهش های مورد نظر موارد متعددی را بیان داشته اند. فعالیت هایی نظیر فعالیت های هنری، کتابخانه ای، ورزشی و سرگرمی های داخل منزل طرفداران اندکی دارد (کیان، ۱۳۵۶: ۷۷) و افراد بیشتر علاقه مند هستند که زمان فراغت شان با فعالیت های جمعی نظیر گردش، تفریح و ورزش پر شود (محمودی اشکور، ۱۳۶۹: ۸۴؛ یزدانی فاروقی، ۱۳۷۳: ۹۲) و معاشرت با خانواده و نیز دوستان از اولویت های فراغت آنان به شمار می رود (یزدانی فاروقی، ۱۳۷۳: ۹۲).

در مورد مهم ترین موانع گذران اوقات فراغت، مطالعه کیان (۱۳۵۶: ۱۰۲) نشان می دهد که این موانع برای دو گروه درآمد بالا و پائین یکسان نمی باشد و افراد پائین برای پرداختن به فعالیت های فراغتی از کمبود پول و موانع اجتماعی رنج می برند اما مهم ترین مانع برای افراد بالا موانع شخصی و فردی، نظیر کمبود وقت است. حسین محمودی اشکور (۱۳۶۹: ۹۹) به خلاء فراغت یعنی وقت های بدون برنامه و توأم با خستگی و سرگردانی در زمان فراغت دانش آموزان اشاره می کند. و یزدانی فاروقی (۱۳۷۳: ۱۰۸) پائین بودن امکانات و شرایط ایجاد شده را علت گرایش پائین دانشجویان به ورزش می داند. در این دوره، طرح های پژوهشی متعددی از سوی سازمان ملی جوانان انجام شد. یکی از این مطالعات نشان می دهد که عمده ترین صورت های گذران اوقات فراغت در شهر تهران تماشای تلویزیون با ۸۳٪، استراحت با ۶۷٪، دیدار دوستان و خویشاوندان با ۵۸٪، انجام کارهای هنری با ۴۳٪ و بازی و ورزش با ۴۲٪ بوده است و البته تفاوت هایی از این حیث میان دختران و پسران و مجردها و متاهلین وجود دارد (شیخ، ۱۳۷۴: ۱۹۳).

**عوامل موثر بر فراغت:** در گذران اوقات فراغت، سن، طبقه اجتماعی-اقتصادی، گرایش مذهبی و جنسیت باعث ایجاد مرزبندی ها و تفاوت هایی می شود در این میان به نظر می رسد جنسیت و سن بر نحوه گذران اوقات فراغت افراد مختلف تاثیر مهمی دارند (ربانی و شیری، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

اگرچه نیاز به اوقات فراغت مربوط به یک قشر خاص نیست اما از آنجایی که ایران با میانگین سنی ۱۶ سال (سلگی، ۱۳۸۲: ۵۹) در ردیف جوان ترین کشورها است توجه خاص و ایجاد امکانات برای گذراندن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می تواند نقش مؤثری در شکل گیری شخصیت آنان و همینطور سازندگی جامعه داشته باشد. تحقیقات متعدد در این زمینه نشان می دهد که رواج انواع تفریحات انحرافی بواسطه کمبود امکانات تفریحی و عدم آگاهی و عدم برنامه ریزی و اجرای صحیح سیاست های اجتماعی و اقتصادی، جوانان را به سوی فعالیت های ناسالم سوق می دهد و ممکن است مبنایی برای بروز کجروی در این قشر فراهم آورد (رفعت جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

دانشگاه آخرین مرکز تحصیل رسمی است که می تواند افراد را به فراگیری مهارت های زندگی (اعم از کار و فراغت) تشویق کند و یکی از نقش های نهادهای آموزشی، پرورش مهارت های دانشجویان برای گذران اوقات فراغت است (فارمیان، ۱۳۸۷: ۷۱).

طراحی فضاهای شهری نقش مستقیمی در کنترل‌پذیری اوقات فراغت دارند و بدین وسیله محیط مناسبی برای گذران اوقات فراغت جوانان ایجاد می‌کنند. در بحث اوقات فراغت آسیب‌ها بیشتر به اعتیادها باز می‌گردد و بعضی رفتارها تا زمانی که به صورت عادت در نیاید جنبه آسیبی ندارد مثل اعتیاد اینترنتی یا اعتیاد به همراهی همیشگی با دوستان به حدی که فرد را از حوزه‌های کار و خانواده دور کند (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

تحقیقات انجام شده در زمینه بررسی علل آسیب‌های اجتماعی در میان جوانان نشان می‌دهد که بیکاری و نداشتن برنامه برای اوقات فراغت، نداشتن تحرک و فعالیت‌های سالم و مورد علاقه جوانان تاثیر بسزایی در گرایش آن‌ها به رفتارهای آسیبی دارد و این جا است که حساسیت برنامه‌ریزی اوقات فراغت جوان از یکسو و نظارت مدبرانه خانواده (والدین) از سوی دیگر به خصوص در جنبه آسیب‌زایی اوقات فراغت نمود پیدا می‌کند (رفعت جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

عامل تأثیرگذار دیگر بر فراغت جنسیت است. بروز تمایزهای جنسیتی در فراغت از دیدگاه کلی جامعه درباره تفاوت بین دو جنس ناشی می‌شود و عوامل متعددی در آن دخیل‌اند. این عوامل از نگرش جامعه به رفتارها و فعالیت‌های مناسب برای زنان و مردان تا تسهیلات، امکانات و فضاهای فراغتی خاص زنان و مردان در تغییر است (رفعت جاه، ۱۳۸۹: ۶۲).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از زنان از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت‌های فراغتی احساس گناه می‌کنند. در نتیجه، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اطو کشیدن، شست‌وشو یا کارهای بافتنی همراه باشد. تحت انقیاد در آوردن زنان از طریق توجیه و الزام آن‌ها به انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان عملی می‌گردد. زنانی که از خانه‌داری و بچه‌داری احساس رضایت نکنند، در صورت مقاومت و مبارزه با این انتظارات فرهنگی با تعاریفی از قبیل "غیرطبیعی" و "بی‌توجه" روبرو می‌شوند (هی‌وود و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۱).

سه عامل کلیدی در فراغت عبارت‌اند از: زمان، فعالیت و فضا. و زنان در هر سه مورد وضعیت نامساعدی برای فراغت دارند. وقت آن‌ها برای اوقات و فعالیت‌های فراغتی محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آن‌جا به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه‌های اوقات فراغت آن‌ها دچار محدودیت است (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

در بیشتر موارد، نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه و انجام کارهای خانه است صرف نظر از این که آن‌ها شغل با دستمزد داشته باشند یا نداشته باشند. بر خلاف استخدام با دستمزد، این گونه کارهای خانه حد و مرز مشخصی ندارد. مسئولیت‌های خانگی به گونه‌ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد. بنابراین باعث تکه تکه شدن اوقات فراغت می‌شود. از این رو برای

زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است و در نظر گرفتن فراغت به منزله وقت آزاد با تجربه بیشتر زنان بیگانه است (هی وود و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۹۴).

از طرف دیگر با افتادن مسئولیت خرید اقلام مصرفی خانواده بر دوش زن و به طور کلی با گسترش فرهنگ مصرفی، خرید تلفنی به عنوان فعالیتی فراغتی، مطلوب زنان می‌شود. زیرا فرصتی برای خروج از خانه و حضور در مکان‌های امن عمومی در اختیار آن‌ها می‌گذارد. به نظر می‌رسد دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی، اجتماعی و عرفی جامعه ایران نیاز به یک سری برنامه‌های فراغتی متفاوت از برنامه‌های فراغتی پسران داشته باشند (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۶۱)، دختران هم در خانواده هم در موسسات فراغتی و هم در امکانات تفریحی مورد تبعیض واقع می‌شوند. بنابراین انگاره‌های موجود اجتماعی شدن و آموزش، باید دگرگون شود. زنان دارای نیازها و علائق خاص خود هستند. شاید یکی از علل مهم تفاوت الگوهای زندگی زنان و مردان و از جمله گذران اوقات فراغت آنان ناشی از تفاوت روحیات زنان و مردان باشد (زالی، ۱۳۹۰: ۳۸).

به نظر ابوت و سپسفورد تحلیل پاسخ‌های زنان مصاحبه شونده اثبات می‌کند که زنان برای خود نوعی هویت طبقاتی قائلند و این هویت را از روی شغل خود یا ویژگی‌های شخصی و دوران دوشیزگی‌شان مثل خاستگاه طبقاتی (که با شغل پدر تعیین می‌شود) و سطح تحصیلاتشان بهتر می‌توان دریافت تا با استناد به شغل شوهر (Abbott & Sapsford, ۲۰۰۶: ۲۵۶).

در واقع پایگاه اجتماعی و چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان و دختران با هم رابطه مستقیم دارد. با دگرگونی تدریجی سبک زندگی، زنان و دختران جوان برای سلامت، سرگرمی و فعالیت‌های فراغتی برون خانگی اهمیت بیشتری قائل می‌شوند. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی میل می‌کند که این موضوع در شهر تهران بیشتر به چشم می‌خورد. اما با توجه به محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد به نظر می‌رسد فراغت این قشر می‌تواند از بیرون به مکان‌های سر بسته‌ای که آسیب‌های کمتری در پی دارد کشانده شود و در این راستا سیاست‌های فرهنگی معطوف به فضاهای فراغتی می‌تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غیرآسیب‌زای اوقات فراغت دختران جوان را بارور سازد (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

مجموعه عوامل و متغیرهای موثر در گذران فراغت را می‌توان به ۶ گروه به شرح زیر تقسیم کرد:

۱- متغیرهای اجتماعی و فرهنگی (تحصیلات، پایگاه اجتماعی، فرهنگ ملی و اعتقادات دینی، موقعیت طبقاتی و...)

۲- متغیرهای اقتصادی (شغل و درآمد، کالاها و خدمات فراغتی، نقش اقتصاد فراغتی، گردشگری و...)

۳- متغیرهای فردی و شخصی (جنسیت، سن، مرحله زندگی و...)



- ۴- متغیرهای خانوادگی (نقش ازدواج، مراحل زندگی خانوادگی، هویت، فرهنگ خانوادگی و...)
- ۵- عوامل محیطی و کالبدی- فضایی (وجود امکانات، قابلیت دسترسی، آگاهی، اطلاع و...)
- ۶- عوامل مدیریتی (نقش دولت، نقش بخش خصوصی، نهادهای داوطلب، مدیریت کارآمد، تبلیغات و...)

### ۳-۱- پیشینه پژوهش

آزاد ارمکی و اکبری در پژوهش کیفی خود بر روی ۳۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر تهران نشان دادند ترجیحات و گرایش‌های مدرن در بین جوانان شهر تهران در حال شکل‌گیری و تثبیت است، اما در همان حال بسترهای مادی و بایسته‌های اقتصادی تحقق عینی این خواسته‌ها و تمایلات در جامعه وجود ندارد (آزاد ارمکی و اکبری، ۱۳۹۱: ۱).

حیدری و همکارانش در مقاله خود با هدف شناخت انواع اوقات فراغت از دیدگاه جامعه‌شناسی در جوامع کنونی با روش توصیفی تحلیلی به بررسی فواید و آسیب‌های آن پرداخته سپس با بهره‌گیری از کلام و سیره معصومان، اهمیت وقت و ضرورت استفاده از اوقات فراغت را در فرهنگ اسلامی به لحاظ جنبه فردی آن تبیین نموده و راه‌کارهایی جهت تنظیم صحیح اوقات شبانه روز، به منظور دست‌یابی به سبک زندگی اسلامی ارائه نمودند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

رستگارخالد و همکارانش در پژوهش خود در مورد ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در منطقه پنج شهر تهران نشان دادند که استفاده جوانان از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید در تکمیل و گذران اوقات فراغت، موجب می‌شود که سرمایه اجتماعی جوانان در دو بعد از ابعاد عینی (عضویت و مشارکت افراد در گروه‌ها، سازمان‌ها، معاشرت و ارتباطات افراد) و یک بعد ذهنی آن یعنی اعتماد تعمیم یافته (اعتماد مردم به یکدیگر در فضاهای مجازی و اعتماد به فضای مجازی) ارتقاء یابد. از سوی دیگر داده‌های آن‌ها نشان دادند که اگر افراد از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید برای فعالیتی اجتماعی در گذران اوقات فراغت شان بهره‌گیرند؛ این امر موجب می‌شود تا میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها در بازه زمانی که از این ابزارها به منظور فعالیت‌های غیراجتماعی مانند فعالیت‌های تفریحی یا یادگیری استفاده می‌کنند، افزایش یابد (رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

علیرضائزاد و سیف جمالی در مقاله خود با مطالعه بر جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران عنوان کردند که «یافته‌ها نشان از عمومیت استفاده از فضای مجازی در بین جوانان دارد، اما علیرغم باز شدن فضا و تسهیل کنشگری دختران در فضای مجازی، وجود نوعی منش و ذائقه جنسیتی در میدان فضای مجازی مشاهده شد. به عبارت دیگر، ساخت جنسیتی در اوقات فراغت مجازی بازتولید شده است. افزایش امکانات، تاثیر چندانی در نحوه رفتار جوانان برای گذران اوقات فراغت در فضای مجازی ندارد، اگرچه تمایل به مصرف

نمایشی و اوقات فراغت تظاهری در دختران و پسران دیده می شود، اما به لحاظ شکلی متفاوت است» (علیرضائزاد و سیف‌جمالی، ۱۳۹۵: ۳۵).

سنایی و شرف‌الدین در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که از منظر اخلاق اسلامی فراغت بخشی از وقت تحت اختیار فرد است که پس از انجام دادن کلیه تعهدات اجتماعی و برخی ضرورت‌های پایه‌ای چون کار و خواب باقی می‌ماند، مفاهیم اوقات فراغت، تفریح و بازی دارای مضامین مشترکی بوده و بینشان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. این که فراغت با عناوین متعدد قابل تقسیم می‌باشد از جمله فراغت فعال و منفعل، فراغت مثبت و منفی، فراغت سالم و ناسالم، فراغت جدی و سطحی، فراغت مولد و غیرمولد، فراغت گوارا و ناگوار، فراغت واقعی و مجازی، فراغت موثر و مخدر، فراغت خلاق و غیرخلاق، که اکثر آن عناوین در راستای تبیین نکته واحد هستند (سنایی و شرف‌الدین، ۱۳۹۶: ۷۹).

جعفری هفت‌خوانی و همکارانش در نتایج پژوهش خود بیان کردند که دو دسته مسایل درون حاکمیتی و برون حاکمیتی، مسایل فراغتی زنان متاهل شهر تهران را تشکیل می‌دهند. مسایل درون حاکمیتی شامل «حاشیه‌ای شدن»، «فقدان نگاه ویژه به زن»، «بی تفاوتی»، «سیاست‌های نمایشی» و «خلا مدیریتی» است. «محدودیت»، «غلبه مصرف»، «انباشت فراغت» و «پروژه نمایشی بدن» مسایل برون حاکمیتی هستند. به علاوه، مسایل اوقات فراغت زنان متاهل شهر تهران دارای ریشه فرهنگی و ناشی از «کم توجهی و کژفهمی فرهنگی» نسبت به «زن» و «اوقات فراغت» است (جعفری هفت‌خوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۱).

کافی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بنابر روایات اسلامی، برای هر فرد از اعضای خانواده دو نوع اوقات فراغت می‌توان در نظر گرفت؛ نخست بر اساس بیان شده در روایت امام علی، یعنی استفاده بردن از لذت‌ها که همین معنا را مدنظر قرار داد؛ و دوم، درباره کسی است که کار و اشتغال روزانه‌اش پایان یافته است، عباداتش را انجام داده و از حلال‌های زندگی نیز لذت برده است و هنوز فرصت اضافه دارد. این همان اوقات فراغت به معنای بیکاری است که از دید اسلام نکوهیده است و باید از آن درست بهره برد؛ در غیر این صورت، آسایش واقعی فرد و خانواده را از بین می‌برد؛ دوم هیچ گزاره اسلامی که دلالت بر ناشایستگی داشتن اوقات فراغت مورد نظر باشد، یافت نشد، بلکه گزاره‌هایی در تایید و تاکید گذراندن اوقات فراغت خانوادگی به دست آمد. آنچه در گزاره‌های اسلامی نهی شده است، تبلی، بیکاری و سرخوشی است (کافی، ۱۴۰۰: ۳۷).

گنجه و همکارانش در مقاله خود با «عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر کارکردهای اوقات فراغت در نوجوانان و جوانان» نشان دادند که عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل شایستگی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری، اینترنت و رسانه و نظام آموزشی باعث بهبود کارکردهای اوقات فراغت می‌شوند (گنجه و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۶۸).

باقری و همکارانش در تحقیق خود به ضرورت بازنگری در رویکرد مرسوم که اغلب اوقات فراغت را به عنوان متغیری وابسته در نظر می‌گیرد، رسیدند. نتایج آن‌ها نشان داد که امروزه اوقات فراغت خود به عنوان متغیری مستقل می‌تواند سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی از جمله اخلاق اجتماعی را به انحاء مختلف تحت تاثیر قرار دهد (باقری و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۲۰).

اکبرپور و همکارانش در مقاله خود پس از بررسی‌های مختلف عوامل موثر بر بهبود اوقات فراغت ورزشی با تاکید بر الگوی ایرانی اسلامی، عوامل مذکور را در چهار دسته شامل عوامل فنی، عوامل اجتماعی، عوامل روانی جسمی و عوامل انسان‌شناختی دسته بندی شدند (اکبرپور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱).

با توجه به مجموع مطالب عنوان شده در این قسمت تا به اینجا سوالات فرعی اول تا سوم پژوهش پاسخ داده شده است.

## ۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و کاربردی می‌باشد. در این پژوهش از روش سناریونویسی به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی استفاده شده است. همچنین با بررسی کتب و مقالات مختلف در خصوص پژوهش کیفی و تحلیل محتوای کیفی، روش آنالیز شاخه‌ای در خصوص انجام این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. مطابق با آنچه دنزین و لینکلن در کتاب "انتظام و عملکرد پژوهش کیفی" عنوان کرده‌اند، روش آنالیز شاخه‌ای برای تعیین آینده‌های محتمل استفاده می‌شود که در ابتدا از یک سوال اصلی (سطح بالا) آغاز می‌گردد. مبتنی بر حالات محتمل رویدادهای مهم پیش روی پاسخ، یک درخت‌واره ایجاد می‌شود. موفقیت این روش بسته به کشف و فهم کامل رویدادهای پیش‌رو در ابتدای راه است (Denzin & Lincoln, ۲۰۰۵: ۱۰۲).

## ۲-۱- مراحل روش

با توجه به برآیند آنچه مایرینگ در مقاله خود با عنوان "تحلیل محتوای کیفی" و پاتون در کتابش با عنوان "روش‌های پژوهش کیفی و ارزشیابی: تلفیق نظریه و عمل" عنوان کرده‌اند، مراحل روش آنالیز شاخه‌ای به شرح زیر است:

۱- تعیین سوال و چارچوب زمانی: در این گام ابتدا سوال اصلی پژوهش و نیز افق زمانی که سناریوها در آن مورد بررسی قرار خواهند گرفت مشخص خواهد شد.

۲- شناخت پیشران‌ها، روندها و رویدادهای کلیدی مربوط به سوال: در دومین بخش کلیه عوامل کلیدی اعم از پیشران‌ها، روندها و رویدادها انتخاب شده و اصلی‌ترین آن‌ها احصاء می‌گردند.

۳- انتخاب تعداد محدودی از عدم قطعیت‌های بحرانی و پیامدهای محتمل آن‌ها: در سومین گام، تعداد محدودی از عدم قطعیت‌های بحرانی انتخاب شده و پیامدهای محتمل هر یک سنجیده خواهد شد.

۴- تشکیل دیاگرام شاخه‌ای، مبتنی بر عدم قطعیت‌های بحرانی و پیامدهای هر عدم قطعیت: در این گام دیاگرام شاخه‌ای مبتنی بر هر عدم قطعیت بحرانی ترسیم شده و پیامدها در دیاگرام وارد می‌شوند.

۵- تعیین فضای سناریو مبتنی بر پیامدهای مهم و اصلی هر عدم قطعیت: در این گام فضای سناریو و حیطه احتمالی پیامدهای آن‌ها مشخص می‌شوند.

۶- تشریح مشخصه‌های هر سناریو: در آخرین گام هر یک از سناریوها و مشخصه‌های آن ترسیم خواهد شد (Patton, ۲۰۱۴: ۱۳۹-۱۴۰; Patton, ۲۰۱۴: ۴-۶; Mayring, ۲۰۰۰).

### ۳- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش هر یک از گام‌های شش‌گانه‌ای که در قسمت روش پژوهش به آن‌ها اشاره شد، به نوبت اجرا شده و توصیف و بررسی می‌گردند. لذا در گام اول سوال و چارچوب زمانی پژوهش مشخص می‌شود که همانطور که در بخش مقدمه توضیح داده شد سوال اصلی این پژوهش سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی جوانان شهری و افق زمانی پژوهش ۶ ساله (تا ۱۴۰۶) می‌باشد. شایان ذکر است با توجه به سیر پژوهش که در ادامه توضیح داده خواهد شد در پاسخ به این سوال، هشت الگوی فراغتی مختلف در قالب هشت سناریو متفاوت به دست آمد.

- سناریو یک: جمعی، سنتی و فعال
- سناریو دو: جمعی، سنتی و منفعل
- سناریو سه: جمعی، مدرن و فعال
- سناریو چهار: جمعی، مدرن و منفعل
- سناریو پنج: فردی، سنتی و فعال
- سناریو شش: فردی، سنتی و منفعل
- سناریو هفت: فردی، مدرن و فعال
- سناریو هشت: فردی، مدرن و منفعل

در گام بعد و در پاسخ به سوال فرعی چهارم پژوهش می‌بایست کلیه عوامل اثرگذار بر الگوهای فراغتی (اعم از روندها، پیشران‌ها و حتی برخی از رویدادهای کلیدی) شناسایی گردند. بدین منظور با توجه به مبانی نظری و مطالعات کتابخانه‌ای ارائه شده در بخش‌های پیشین، می‌توان مجموعه عوامل ذیل را در خصوص الگوهای فراغتی برشمرد:

۱- **تحصیلات:** میزان تحصیلات افراد تاثیر مستقیمی بر الگوهای فراغتی ایشان داشته و عمدتاً افزایش تحصیلات منجر به افزایش تمایل به الگوهای مدرن می‌شود.

- ۲- **پایگاه اجتماعی:** این عامل از یک سو نوع الگوهای فراغتی از منظر هزینه الگوها را تعیین می‌کند و از سوی دیگر مشخص کننده میزان اهمیت الگوهای فراغتی برای فرد (در نشان دادن پایگاه و طبقه اجتماعی وی) می‌باشد به گونه‌ای که عمدتاً افراد با پایگاه اجتماعی ضعیف‌تر نگاه ابزاری‌تری به الگوهای فراغتی دارند.
- ۳- **فرهنگ ملی:** این عامل تعیین کننده میزان فراغت تعریف شده در یک ملت، نوع نگاه به فعالیت‌های فراغتی در یک جامعه و نیز الگوهای فراغتی آن جامعه می‌باشد.
- ۴- **اعتقادات دینی:** این عامل که بسیار اثرگذار بوده و از مهم‌ترین عوامل می‌باشد، پیچیدگی بسیار زیادی دارد، کما اینکه مقوله سکولار شدن باعث شده است تا حد زیادی اعتقادات دینی رنگ و ظاهر خود را از دست داده و به شیوه‌ای تبدیل شوند که علی‌رغم دین‌داری ظاهری افراد، فراغت ایشان متأثر از رویکردهای دین‌دارانه نیست.
- ۵- **شغل و درآمد:** میزان درآمد، تعیین کننده میزان فراغت فرد و نیز توان وی برای انتخاب الگوهای گوناگون است، کما اینکه بعضاً شغل افراد به گونه‌ای است که اصولاً زمان زیادی برای فراغت ندارند. و یا درآمد ایشان به حدی نیست که بتوانند فراغت خود را به گونه دلخواه پوشش دهند.
- ۶- **سطح دسترسی و هزینه فراغت:** هزینه فعالیت‌های فراغتی و میزان دسترسی افراد به این الگوها از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده الگوهای فراغت است و تفاوت بین خواسته‌های جامعه و آنچه در عمل به وقوع می‌پیوندد تا حد زیادی به این عامل وابسته است.
- ۷- **جنسیت:** جنسیت افراد از دو منظر بر روی فراغت ایشان موثر است. از یک سو جنسیت منجر به تفاوت در الگوهای فراغتی شده و دختران و پسران دو نوع الگوی متفاوت را بر می‌گزینند که این مهم تحت تاثیر عواملی چون میزان امکانات فراغتی و... نیز قرار دارد. از سوی دیگر امروزه هویت جنسیتی و فرار افراد از هویت خویش مسئله مهمی است که بالاخص در دختران زیاد شده و در نتیجه تمایل به الگوهای فراغتی پسرانه و پرمخاطره در میان دختران افزایش یافته است به گونه‌ای که بعضاً پژوهش‌ها نشان از تمایل دختران به پدیده‌هایی مانند پارتی حتی بیشتر از پسران دارند.
- ۸- **سن:** سن یکی از عوامل مهم در تعیین میزان زمان فراغت، میزان اهمیت آن برای فرد و نیز الگوهای فراغتی مورد استفاده فرد می‌باشد چرا که بعضاً دیده می‌شود در برخی از سنین زمان‌های بیشتری برای فراغت وجود دارد و نیز اهمیت فراغت برای فرد بیشتر می‌گردد. همچنین نوع فراغت‌های دلخواه افراد در سنین مختلف متفاوت است.
- ۹- **مرحله زندگی خانوادگی:** مرحله زندگی خانوادگی عامل دیگری است که بر روی نوع گذران فراغت اثر دارد، به عنوان مثال مجرد بودن، نوجوان بودن، پدر بودن، مادر بودن، همسر بودن و... همه و همه عوامل مهم و اثرگذار در این پدیده هستند.

۱۰- میزان مخاطره پذیری افراد: میزان مخاطره پذیری افراد یک عامل شخصیتی است که از یک سو تربیتی و از سوی هویتی می‌باشد. این عامل نیز می‌تواند امروزه نقش مهمی در انتخاب الگوهای فراغتی بالاخص الگوهای مدرن و پرمخاطره در افراد داشته باشد.

۱۱- هویت و فرهنگ خانوادگی و میزان تقید به خانواده و گروه دوستان: از مهم‌ترین عوامل انتخاب الگوهای فراغتی در افراد هویت ایشان و میزان ارتباطات اجتماعی و هویت‌های اجتماعی در فرد می‌باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به هویت خانوادگی، ارتباط با گروه دوستان و مواردی از این دست اشاره نمود.

۱۲- سیاست‌های دولتی و خصوصی: سیاست‌های دولت و نهادهای حاکمیتی در کنار رفتار فعالان خصوصی در عرصه فراغت نیز از عوامل دیگر اثرگذار بر الگوهای فراغتی جوانان شهری به شمار می‌رود.

حال که عوامل موثر بر الگوهای فراغتی توصیف شد، تلاش می‌گردد عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی شود. بدین منظور ابتدا عوامل کلیدی و مهم از سایر عوامل جداسازی شده و سپس از بین آن‌ها قطعیت‌ها و عدم قطعیت‌ها انتخاب می‌شوند.

بدین منظور عوامل ذیل با توضیحاتی که درخصوص آن‌ها ارائه می‌گردد نادیده قلمداد می‌شوند:

۱- سن: در این پژوهش سن جامعه مورد مطالعه ثابت فرض شده و تنها جوانان مورد مطالعه قرار می‌گیرند و در نتیجه سن ثابت فرض می‌شود.

۲- مرحله زندگی خانوادگی: در این پژوهش مرحله زندگی خانوادگی ثابت فرض می‌شود چرا که همه افراد مد نظر جوانان قبل از دوره ازدواج هستند.

۳- پایگاه اجتماعی حذف می‌شود چون قابل سرمایه گذاری نبوده و در آینده نمی‌توان روند مشخصی در خصوص تغییر پایگاه اجتماعی بیان کرد. در واقع پایگاه اجتماعی یک ویژگی نسبی است و به همین دلیل روند آن قابل مقایسه با هیچ سازوکاری نمی‌باشد.

۴- فرهنگ ملی حذف می‌شود چرا که این عامل اگرچه می‌تواند بر روی الگوهای فراغتی اثرگذار باشد ولیکن جزء عوامل اصلی به حساب نمی‌آید و یکی از عوامل فرعی اثرگذار بر انتخاب الگوهای فراغتی است.

۵- عامل جنسیت حذف می‌شود چرا که این عامل نمی‌تواند روند مشخصی را نشان داده و صرفاً می‌توان تغییر الگوهای فراغتی در دو جنس را مورد بررسی قرار داد. با این حال چون این تفاوت در دو جنس نمی‌تواند روند مشخصی را در طول زمان نشان دهد لذا جنسیت را نادیده می‌گیریم.

۶- سیاست‌های دولتی و خصوصی با اینکه عامل مهمی در انتخاب الگوهای فراغتی هستند، ولیکن به این دلیل که جزء عوامل تصمیمات مدیریتی می‌باشند بر طبق منطق سناریونویسی از بین عوامل

کنار گذاشته می‌شوند تا در پایان پژوهش و نتیجه‌گیری به ارائه پیشنهادات سیاستی برای ایشان بر مبنای سناریوهای گوناگون مبادرت گردد.

با توجه به حذف عوامل فوق، می‌توان مجموعه عوامل کلیدی (قطعی یا غیرقطعی) را به شکل ذیل احصاء نمود.

۱- تحصیلات

۲- مخاطره‌پذیری

۳- اعتقادات دینی غیرسکولار

۴- شغل و درآمد

۵- هزینه فراغتی

۶- میزان تقید به خانواده و گروه‌های دوستان

از بین عوامل فوق می‌توان عوامل ذیل را به دلایلی که بیان شده است به عنوان عوامل ثابت و غیرمتغیر یا به عبارتی قطعیت‌های آینده برشمرد:

۱- تحصیلات: این عامل را می‌توان جزء یکی از عوامل قطعی در نظر گرفته و اینگونه گفت که تحصیلات در آینده در جوانان روند رو به رشد دارد و لذا تاثیر آن بر الگوهای فراغتی تنها در یک سو خواهد بود. با افزایش تحصیلات گرایش به الگوهای مدرن افزایش می‌یابد و از سوی دیگر به دلیل فاصله نسبی سطح اطلاعات از خانواده، تمایل به گروه‌های دوستی یا الگوهای فردی افزایش می‌یابد.

۲- همچنین عامل دیگری که به عنوان روند عمومی در الگوهای فراغتی قابل ردیابی است خطرپذیری بیشتر الگوهای فراغتی جوانان می‌باشد به گونه‌ای که به نظر می‌رسد تمامی روندها به سمت و سوی افزایش الگوهای پرمخاطره در جوانان بالاخص در دختران دارند و از آنجا که الگوهای مدرن پرمخاطره هستند لذا می‌توان گفت این عامل نیز منجر به افزایش تمایل به الگوهای مدرن می‌گردد. با این توصیفات در پاسخ به سوال فرعی پنجم پژوهش عدم قطعیت‌های کلیدی در این پژوهش و پیامدهای آن عبارت است از:

۱- میزان تقید به خانواده و گروه دوستان: این عامل در الگوهای فراغتی بر روی جمعی یا غیرجمعی بودن الگوها اثر دارد، به این معنا که هرچه فرد تقید بیشتری به خانواده و گروه دوستان داشته و اصطلاحاً هویت خانوادگی و دوستان وی پررنگ‌تر باشد، تمایل وی به الگوهای جمعی فراغت بیشتر می‌شود و بالعکس.

۲- اعتقادات دینی غیرسکولار: اعتقادات دینی امروزه با دو تهدید اصلی مواجه هستند، اولین تهدید آنکه خود اعتقادات در حال کم‌رنگ شدن بوده و کارکردهای خود را از دست می‌دهند. افراد با

تقید دینی کمتر دیده شده و کسانی که خود را علنا غیردین‌دار معرفی کنند بروز خواهند کرد. در تهدید دوم، تقید دینی افراد پابرجا است ولیکن دین انتخابی و سکولار شده و لذا افراد علی‌رغم آنکه خود را دین‌دار می‌دانند ولیکن این دین را در انتخاب الگوهای فراغتی خویش دخیل ندانسته و مورد استناد قرار نمی‌دهند. این دین هیچ کارکرد مثبتی در خصوص هدایت الگوهای فراغتی نخواهد داشت. با این توضیحات، میزان تقید به اعتقادات دینی غیرسکولار در جامعه عامل دیگری است که بر روی فراغت و نوع انتخاب الگوهای فراغتی موثر است و هرچه تقید به اعتقادات دینی غیرسکولار افزایش یابد الگوهای سنتی و کم آسیب فراغتی گسترش خواهد یافت.

۳- **درآمد به هزینه:** شغل، درآمد و هزینه فراغت در یک گروه ادغام شده و در مجموع به عنوان درآمد به هزینه شناخته می‌شود. این عامل جزء عوامل اصلی است و بدین معناست که هرچه درآمد بیشتر یا هزینه فراغتی کمتر باشد تنوع الگوهای در دسترس بیشتر می‌شود. هرچه درآمد افزایش یابد، تمایل به الگوهای فراغتی فعال بیشتر می‌شود در حالی که اگر جامعه تحت فشار قرار گرفته و توان اقتصادی مردم کاهش یابد، به دلیل عدم توفیق در الگوهای فراغتی فعال و پرهزینه، الگوهای کم هزینه‌تر منفعلانه انتخاب می‌شود که نمونه‌های آن‌ها در ادامه ارائه می‌گردد.

حال که این عوامل کلیدی شناسایی شده و پیامدهای هر یک بیان شد، حالات محتمل هر حالت کلیدی در یک دیاگرام شاخه‌ای ارائه می‌گردد. در این دیاگرام سه ستون متغیر مربوط به سه عدم قطعیت کلیدی ارائه شده است که به ازای هر ستون دسته‌بندی مشخصی بر روی سناریوها اعمال می‌شود.

- در ستون میزان تقید به خانواده و دوستان دو حالت افزایشی و کاهش‌ی بیان شده و گفته شده است در حالت افزایشی تمایل به سناریوهای جمعی بیشتر از حالت کاهش‌ی خواهد بود.
- همچنین در ستون اعتقادات دینی نیز دو حالت افزایشی و کاهش‌ی لحاظ شده است که در حالت افزایشی الگوهای سنتی بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند.
- همین روند در ستون درآمد به هزینه وجود داشته و در حالت افزایشی الگوهای فعال و در حالت کاهش‌ی الگوهای منفعل مدنظر قرار می‌گیرند.

توضیح مهم آنکه به دلیل نوع موضوع و فرهنگی بودن، نسبی بودن و تفسیری و کیفی بودن آن، دسته‌بندی بیشتر عوامل عملاً ممکن نبود. هرچند می‌توان این دو دسته‌ها را به سه دسته افزایشی، اثبات و کاهش‌ی تقسیم بندی کرد ولیکن از آنجا که هدف این پژوهش نشانه‌گیری نقاط حاشیه‌های آینده و فضای سناریو می‌باشد لذا تلاش شده است بیش از آنکه به حالات میانه پرداخته شود حالات حاشیه‌ای و مهم‌تر برای سیاست‌گذاران بیان گردد.

شایان ذکر است در خصوص انتخاب افق سناریوهای مذکور نیز، بازه‌ای میان‌مدت (شش ساله) در نظر گرفته شده است که نه چندان کوتاه باشد که عدم قطعیت‌ها بسیار پایین بوده و نه چندان بلند باشد که با



عدم قطعیت بسیار بالایی بتوان راجع به آن‌ها صحبت کرد، و از طرفی دیگر به میزانی باشد که افرادی که در حال حاضر در ابتدای سن نوجوانی (۱۲ سال) قرار دارند در پایان این بازه به ابتدای سن جوانی (۱۸ سال) برسند و سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیر این امر فرصت برنامه‌ریزی و اجرا در خصوص بهبود روندها و مقابله با چالش‌ها، خلاءها و معضلات پیش‌رو را داشته باشند و بتوانند ماحصل تصمیمات امروز خود را در افق پژوهش مشاهده کنند.

با عنایت به مطالب فوق و در پاسخ به سوال فرعی ششم پژوهش سناریوهای نهایی الگوی عمومی فراغت جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶ در جدول ۱ به نمایش درآمده است.

جدول ۱- جدول نهایی سناریوها

سناریو	تحصیلات	مخاطره‌پذیری	تقید به خانواده و دوستان	اعتقادات دینی غیرسکولار	درآمد به هزینه
۱: جمعی، سنتی و فعال	افزایشی	افزایشی	افزایشی	افزایشی	افزایشی
۲: جمعی، سنتی و منفعل	افزایشی	افزایشی	افزایشی	افزایشی	کاهشی
۳: جمعی، مدرن و فعال	افزایشی	افزایشی	افزایشی	کاهشی	افزایشی
۴: جمعی، مدرن و منفعل	افزایشی	افزایشی	افزایشی	کاهشی	کاهشی
۵: فردی، سنتی و فعال	افزایشی	افزایشی	کاهشی	افزایشی	افزایشی
۶: فردی، سنتی و منفعل	افزایشی	افزایشی	کاهشی	افزایشی	کاهشی
۷: فردی، مدرن و فعال	افزایشی	افزایشی	کاهشی	کاهشی	افزایشی
۸: فردی، مدرن و منفعل	افزایشی	افزایشی	کاهشی	کاهشی	کاهشی

توصیف ۸ سناریوی موجود در جدول ۱ به شرح زیر می‌باشد:

۱- سناریوی شماره ۱: ضمن افزایش تحصیلات و مخاطره‌پذیری جامعه، تقید به خانواده و دوستان در افراد روند افزایشی خواهد داشت. از سوی دیگر اعتقادات دینی غیرسکولار (تقید به دین و همه کارکردهای آن) افزایش می‌یابد و همچنین نسبت درآمد به هزینه فراغتی نیز افزایش می‌یابد. در چنین حالتی از یک سو به دلیل افزایش تحصیلات و مخاطره‌پذیری افراد تمایل به فراغت مدرن افزایش یافته و هنجارشکنی‌ها راحت‌تر صورت می‌پذیرد ولی از سوی دیگر افراد تمایل به فراغتهای جمعی، فعالانه و سنتی دارند. در چنین سناریویی، پیش‌بینی می‌شود جامعه به سمت الگوهای فراغتی سنتی و کم‌آسیب متمایل شود ولیکن در این حالت نیاز به بازتعریف این الگوها وجود دارد و می‌بایست این الگوهای فراغتی بتوانند خود را برای قشر تحصیل‌کرده جامعه تعریف کرده و انواع مختلف نیازهای ایشان را تامین نمایند. لذا بهترین سناریو را می‌توان این سناریو دانست که هم فعالیت‌های فعال و هم الگوهای سنتی جمعی خود را در آن نمایان می‌سازند. از جمله مصادیق این گونه فعالیت‌های فراغتی را می‌توان مواردی چون هیئات مذهبی، ورزش در پارک و ورزش دسته جمعی، رفتن به پیک نیک خانوادگی، مسافرت زیارتی و صله رحم بیان نمود.

۲- سناریوی شماره ۲: در این سناریو نیز ضمن افزایش تحصیلات و مخاطره پذیری، و نیز افزایش تقید به خانواده و دوستان و علی‌رغم وجود اعتقادات دینی غیرسکولار در افراد، به دلیل درآمد کم و عدم توان مالی برای استفاده از الگوهای فعال فراغتی، افراد به سمت الگوهای غیرفعال متمایل می‌شوند. در نتیجه می‌توان گفت جامعه در مجموع در نگرش‌ها و خواسته‌های خود تمایل به الگوهای فعال دارد ولیکن چون قادر به تامین هزینه آن‌ها نیست در عمل الگوهای غیرفعال را برمی‌گزیند و اینجاست که الگوهای فراغتی سنتی، جمعی و غیرفعال افزایش می‌یابند.

از جمله مصادیق این سناریو را می‌توان مواردی چون صحبت با افراد خانواده، نشستن خانواده برای دیدن یک سریال و... عنوان کرد.

۳- سناریوی شماره ۳: در این سناریو نیز ضمن افزایش تحصیلات، مخاطره پذیری و افزایش تقید به خانواده و دوستان، جامعه به سمت کاهش اعتقادات دینی غیرسکولار رفته و از سوی دیگر درآمدهای فردی نیز افزایش می‌یابد. در این حالت علی‌رغم تمایل به الگوهای فعالانه و جمعی فراغتی، رویکردهای مدرن با شیب و نسبت بسیار زیادی خود را نمایان می‌سازند. به گونه‌ای که الگوهای فراغتی مدرن (عموماً با رویکرد جمعی) به مهم‌ترین الگوهای جامعه تبدیل می‌شوند. همگرایی این الگوها با دو عامل تحصیلات و مخاطره پذیری بیشتر نیز به تسریع روند گسترش این الگوها در جامعه کمک خواهد کرد.

از جمله مصادیق این سناریو عبارت است از: خیریه‌ها، NGOها، رفتن به پارتی‌ها و...

۴- سناریوی شماره ۴: در این سناریو، علی‌رغم افزایش تحصیلات، مخاطره پذیری و تقید به خانواده و دوستان، از یک سو اعتقادات دینی کاهش یافته و از سوی دیگر درآمدهای فردی به نسبت هزینه‌های فراغتی کاهش می‌یابند. در نتیجه همانند سناریوی قبل جامعه به سرعت به سمت استفاده از الگوهای مدرن به پیش می‌رود ولیکن در این حالت عمدتاً الگوهای کم هزینه و عموماً منفعل انتخاب می‌شود که نتیجه آن کاهش رویکردهای فعالانه در الگوهای فراغتی به صورت یک خصیصه بارز خواهد بود.

از جمله مصادیق این نوع فراغت می‌توان به مواردی چون کافی شاپ، قهوه‌خانه و سفره‌خانه‌ها، رفتن به سینما و تئاتر و استفاده از کلپ‌های بازی رایانه‌ای اشاره نمود.

۵- سناریوی شماره ۵: در این سناریو، با افراد تحصیل کرده، مخاطره‌پذیر، دین‌دار و صاحب درآمد مکفی مواجه هستیم که تقیدات و هویت‌های خانوادگی و دوستان ایشان بسیار کم‌رنگ بوده و لذا تمایل به زندگی فردی دارند. این سناریو جامعه‌ای را نشان خواهد داد که در آن عمده افراد علی‌رغم تمایل به دین‌داری، الگوهای فردی فراغت را ترجیح می‌دهند و در این الگوها به سنتی

بودن آن‌ها و فعالانه بودن آن‌ها دقت می‌نمایند و به دلیل هزینه کم محدودیتی از بابت انتخاب الگوها ندارند.

از جمله مصادیق این سناریو می‌توان به شرکت در کلاس‌های هنری و شرکت در کلاس‌های ورزشی اشاره نمود.

۶- **سناریوی شماره ۶:** در این سناریو، جامعه تحصیل کرده، مخاطره پذیر و با اعتقادات دینی است ولیکن افراد جامعه صاحب درآمد کافی نبوده و همچنین پیوندهای قوی خانوادگی و اجتماعی ندارند. لذا تمایل به فردیت‌های منفعلانه در الگوهای فراغتی گسترش می‌یابد. هرچند افراد برای یافتن این فردیت‌ها در الگوهای سنتی به دنبال ما به ازاهایی هستند. دیدن تلویزیون به تنهایی، کتاب خواندن، تلفنی حرف زدن، پیاده‌روی کردن، بی‌کار ماندن در خانه و خمودی از جمله مصادیق این سناریو می‌باشند.

۷- **سناریوی شماره ۷:** در این سناریو، علی‌رغم تحصیلات بالا و درآمد مناسب، از یک سو مخاطره پذیری افراد بالا بوده و از سوی دیگر تقید ایشان به خانواده و ارتباطات و تعاملات اجتماعی و نیز تقید به دین داری غیرسکولار بسیار کم خواهد بود. در این حالت مطلوب ذهنی افراد الگوهای فراغتی مدرن و فعال ولی فردی می‌باشد. وبلاگ نویسی را می‌توان از مصادیق این گونه سناریو دانست.

۸- **سناریوی شماره ۸:** در این سناریو، از یک سو تحصیلات بالا، مخاطره پذیری بالا و از سوی دیگر عدم تقید به دین افراد را به سمت الگوهای مدرن فراغتی هدایت می‌کند در حالیکه تقید افراد به خانواده بسیار پایین بوده و نیز درآمد کافی نیز ندارند. لذا الگوهای فراغتی عموماً الگوهای فردی منفعلانه مدرن و بدون بروزات اجتماعی خواهد بود.

از مصادیق این سناریو عبارت اند از: استفاده از اینترنت، بازی‌های کامپیوتری و موبایل، پرسه زنی در خیابان، پاساژگردی و ... .

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی الگوی عمومی فراغت جوانان شهری ایرانی در افق ۱۴۰۶ و زمینه‌سازی برای سیاست‌گذاری بهتر و برنامه‌ریزی و اقدام هدفمندتر تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران امر به منظور مقابله با روندهای نامطلوب موضوع پژوهش و نیل به نتیجه مطلوب با بهره‌گیری از روش سناریونویسی بر مبنای آنالیز شاخه‌ای صورت پذیرفت.

با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش در خصوص آسیب شناسی الگوهای فراغتی در کشور به نظر می‌رسد اصلی‌ترین روند موجود در این خصوص حرکت به سمت مدرن شدن و منفعل شدن الگوهای فراغتی

می‌باشد. جامعه شهری و جوانان با شیب تندی از الگوهای سنتی و فعال فاصله می‌گیرند که دلایل بسیاری در این خصوص قابل ذکر است و در بخش مبانی نظری به آن‌ها اشاره گردید. لذا به نظر می‌رسد دو سناریوی ۴ و ۸، محتمل‌ترین بخش‌های فضای سناریویی ترسیم شده در این پژوهش می‌باشند.

همچنین با در نظر گرفتن مبانی دینی، ارزش‌های اسلامی جامعه و نیز ارزش‌های حاکمیتی جریان انقلاب اسلامی از یک سو، و همچنین در نظر گرفتن آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از الگوهای متنوع فراغتی و تلاش برای کاهش آسیب‌ها و تهدیدات الگوها به نظر می‌رسد کم‌آسیب‌ترین و مطلوب‌ترین الگوی فراغتی الگوهای جمعی و فعال می‌باشند. در واقع هر دو سناریوی ۱ و ۳ می‌توانند به عنوان حالات مطلوب و بهترین حالات ترسیم شوند.

از سوی دیگر بدترین حالت و سناریوی بد در بین این هشت سناریو، سناریوی شماره ۸ می‌باشد که در آن از یک سو الگوهای مدرن، از سوی دیگر رویکرد منفعلانه و از دیگر سو الگوهای فردی مورد استفاده قرار می‌گیرند. لذا به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن سناریوهای محتمل، حرکت به سمت سناریو بد با شیب تندی در حال وقوع بوده و نیاز به برنامه‌ریزی سریع و علاج مسئله توسط مسئولین بسیار جدی است.

همانطور که بیان شد در حال حاضر پژوهش‌ها نشان دهنده حرکت جامعه به سمت سناریوهای بد و بدترین حالت‌های سناریویی هستند (رفعت‌جاء، ۱۳۹۰: ۱۵۳). پیشنهاد می‌گردد دولت هرچه سریعتر در این خصوص دست به کار شده و نسبت به برنامه‌ریزی برای ممانعت از ادامه روندهای نامطلوب و هدایت به سمت روندهای مطلوب اقدام کند که برخی از موارد به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- آموزش و افزایش اطلاعات جامعه در خصوص سکولاریزاسیون، عواقب و پیامدهای ناشی از آن و تشریح دقیق سیر و اتفاقات صورت گرفته در جوامع غربی ناشی از این امر؛
- ۲- تامین زیرساخت‌های اجتماعی برای جلوگیری از سکولار شدن دینی؛
- ۳- هدایت جامعه و تربیت کودکان به سمت برون‌گرایی در خانواده‌ها و نیز گروه‌های دوستان؛
- ۴- تقویت مهارت‌های ارتباطی و هوش اجتماعی کودکان و نوجوانان با جانمایی کارگاه‌های عملیاتی در طرح درس مهدهای کودک و مدارس در دوره‌های مختلف؛
- ۵- انجام پژوهش‌های متعدد برای بازتعریف الگوهای فراغتی بدون آسیب و نیز الگوهای سنتی متناسب با نیازهای جوانان امروز با در نظر گرفتن شرایط بومی کشور؛
- ۶- افزایش سطح متوسط درآمد جامعه و نیز در دسترس قراردادن امکانات فراغتی متناسب با هر نیاز دو جنس؛
- ۷- ارائه بسته‌های ویژه حمایت از سفر و تفریحات خانوادگی.

## منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی و اکبری، حامد (۱۳۹۱). فهم ماهیت جامعه ایرانی براساس الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۲)، ۱-۲۲.
- ۲- اکبرپور، حامد؛ جمشیدیان، لیلا؛ ترکفر، احمد و امیرحسینی، سید احسان (۱۴۰۱). بررسی عوامل موثر بر بهبود اوقات فراغت ورزشی با تاکید بر الگوی ایرانی اسلامی، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی ورزشی، ۱۱(۴۲)، ۱-۲۲.
- ۳- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۹). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۷۲.
- ۴- ایمانی، جواد (۱۳۹۰). مطالعات راهبردی هویت دانشجویان، مرکز مطالعات راهبردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- ۵- باقری، شهلا؛ نبوی، سید حسین و بهرامی، شجاع (۱۴۰۱). فراتحلیل تاثیر اوقات فراغت بر اخلاق اجتماعی، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۲(۴)، ۸۲۰-۸۳۷.
- ۶- بهرام، عباس (۱۳۶۷). بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت دانش آموزان رزمنده با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رشته تربیت بدنی.
- ۷- تورکلیدسن، جرج (۱۳۸۲). اوقات فراغت و نیازهای مردم، ترجمه عباس اردکانیان، انتشارات نوربخش.
- ۸- جعفری هفت‌خوانی، نادر؛ رضانیا، صدیقه و صفاری، مرجان (۱۳۹۹). فراغت زنان در کلان شهرها؛ تبیین مسائل اوقات فراغت زنان متأهل شهر تهران، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، ۱۰(۳۴)، ۹۱-۱۱۹.
- ۹- حیدری، علی؛ هادی، علی اصغر و نوروزی، مجتبی (۱۳۹۵). نگاهی علمی دینی به اوقات فراغت، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۲(۱)، ۱۱۱.
- ۱۰- ربانی، رسول و شیرینی، حامد (۱۳۸۸). اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸، ۲۰۹-۲۴۲.
- ۱۱- رستگارخالد، امیر؛ مصلحی جنابیان، نرگس؛ صلاحی، آمنه و تاج، نسرين (۱۳۹۵). تاثیر فناوری‌های جدید بر اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی جوانان، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۷(۳۳)، ۱۲۷-۱۴۷.
- ۱۲- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۷). دختران جوان و اوقات فراغت، مطالعات جوانان، شماره ۱۳، ۱۵۱-۱۷۴.

- ۱۳- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۹). تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان با تاکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن، مطالعات راهبردی زنان، تهران، ایران.
- ۱۴- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۹۰). فراغت و ارزش‌های فرهنگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ۱۹۰-۱۵۱
- ۱۵- زالی، نادر (۱۳۹۰). آینده‌نگاری راهبردی و سناریونویسی منطقه‌ای با رویکرد سناریو نویسی، مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۴ (پیاپی ۵۴)، ۳۳-۵۴.
- ۱۶- سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). تحول مفهوم اوقات فراغت، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۶، ۱۴۵-۱۷۱.
- ۱۷- سلگی، محمد و بهرام، صادق‌پور (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، تهران: اهل قلم.
- ۱۸- سنایی، نقی و شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۶). مفهوم کاوی اوقات فراغت با رویکرد اخلاق اسلامی، پژوهش‌نامه اخلاق، ۱۰(۳۵)، ۷۹.
- ۱۹- شاکسیمنت، جنت؛ لاو، جان، هندری، لیو و گلندینینگ، آنتونی (۱۳۸۳). اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان، ترجمه: فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، انتشارات نسل سوم.
- ۲۰- شیخ، سعادت (۱۳۷۴). چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان و جوانان، طرح تحقیقاتی دبیرخانه شورای عالی جوانان، تهران.
- ۲۱- علیرضائزاد، سهیلا و سیف‌جمالی، سکینه (۱۳۹۵). ذائقه جنسیتی و اوقات فراغت مجازی (مطالعه‌ای بر جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران)، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵(۳۳)، ۳۵-۵۵.
- ۲۲- فارمیان، طلیعه (۱۳۸۷). سبک زندگی و مصرف فرهنگی، نشر جهان کتاب، ۷۱.
- ۲۳- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- ۲۴- فیلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- ۲۵- کافی، مجید (۱۴۰۰). اوقات فراغت در سبک زندگی خانوادگی، پژوهشنامه سبک زندگی، ۷(۱۲)، ۳۷-۵۸.
- ۲۶- کیان، علی (۱۳۵۶). پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، بررسی و فعالیت‌های فراغتی گردش‌های جمعی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و تعاون تهران در دو گروه درآمد بالا و پایین.
- ۲۷- گنجه، سید علیرضا؛ نامور، هومن؛ آقاییوسفی، علیرضا و نوابخش، مهرداد (۱۴۰۰). عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر کارکردهای اوقات فراغت در نوجوانان و جوانان، نشریه سلامت اجتماعی، ۸(۳)، ۴۶۸-۴۸۲.

- ۲۸- محمودی اشکوری، حسین (۱۳۶۹). بررسی وسایل ارتباط جمعی و گذراندن اوقات فراغت، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی پایان‌نامه ارشد.
- ۲۹- مهدی‌پور، عبدالرحمن (۱۳۷۱). پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما: مصطفی عسگری.
- ۳۰- ویلن، تورستین (۱۳۸۶). نظریه طبقه تن آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران، نشر نی، ۱۰۶.
- ۳۱- هی‌وود، لس؛ اسپینک، جان؛ براهام، پیتر؛ کاپنرهاست، جان؛ کیو، فرانسیس؛ هنری، یان (۱۳۹۹). اوقات فراغت، ترجمه محمد احسانی، نشر بامداد کتاب، تهران.
- ۳۲- یزدانی‌فاروقی، شهریار (۱۳۷۳). بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان قهرمانی کشورهای آسیایی میانه و ج.ا. ایران شرکت‌کننده در اولین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

- ۳۳- Abbott, Pamela, & Sapsford, Roger (۲۰۰۶). Life-satisfaction in post-Soviet Russia and Ukraine. *Journal of Happiness studies*, ۷(۲), ۲۵۱-۲۸۷.
- ۳۴- Furlong, Andy & Cartmel, Fred (۱۹۹۷). *Young People and Social Change*. Open University Press.
- ۳۵- Denzin, Norman & Lincoln, Yvonna (۲۰۰۵), *The Discipline and Practice of Qualitative Research*, SAGE: Los Angeles.
- ۳۶- Mayring, Philipp (۲۰۰۰). Qualitative Content Analysis. *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research*, ۱(۲).
- ۳۷- Patton, Michael Quinn (۲۰۱۴). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice*. Sage publications.